

# مکتب‌خانه در گذر تاریخ آموزشی

گردآوری در زمان فراگیری بیماری کرونا، دهم مهرماه ۱۳۹۹

سایت ذاکر [/ https:// www.dr-zaker.com](https://www.dr-zaker.com)

محمد ابراهیم ذاکر

دندان‌پزشک و پژوهشگر تاریخ پزشکی



۱..... مکتب‌خانه در گذر تاریخ آموزشی ایران

۱..... مکتب‌خانه

۱..... گونه‌های مکتب‌خانه

۲..... مکتب دختران

۲..... مکتب‌دار

۲..... مکان مکتب‌خانه

۳..... چگونگی آموزش

۵..... آموزش واژه‌ها

۵..... حمدخوانی

۵..... فراگیری سوره شماره یک، فاتحه «الحمد»

۶..... سروده‌های سِرِ الحمدی

۶..... سروده برای مادر

۷..... سروده‌ای برای عمو

۷..... سروده‌ای برای عمّه

۷..... سروده سپاسگزاری از بخشش‌دهندگان

۷..... آموزش قرآن

۸..... آموزش کتاب‌خوانی

۹..... آموزش خط

۹..... مجازات در مکتب‌خانه

۱۰..... خلیفه

۱۰..... رکود مکتب در ایران

ذکر  
دکتر محمد ابراهیم

- ۱۱ ..... نارسایی های مکتب خانه،
- ۱۲ ..... کتاب نامه
- ۱۲ ..... نمایه کتاب و مقاله

ذکر  
دکتر محمد ابراهیم

## مکتب خانه در گذر تاریخ آموزشی ایران

گردآوری در زمان فراگیری بیماری کرونا، دهم مهرماه ۱۳۹۹

سایت ذاکر [/ https:// www.dr-zaker.com](https://www.dr-zaker.com)

محمدابراهیم ذاکر

### مکتب خانه

آموزشگاهی است که در آن یک آموزگار آشنا به ادبیات فارسی و عربی و اندکی علوم اسلامی به آموزش کودکان و نوجوانان می‌پرداخت. این گونه آموزشگاه‌ها در کشورهای ایران، عراق، هند، پاکستان، ترکیه و بسیاری از کشورهای عربی و مسلمان دایر بوده است و امروزه هنوز در کشورهای هم‌چون پاکستان و افغانستان هنوز پابرجاست، ولی بیش از پنجاه سال است که در ایران جای خود را به مدرسه‌ها داده است. نظام آموزش سنتی ایران در دوره قاجار را می‌توان نظام مکتب‌خانه‌ای نامید. فلسفه آموختن این نظام بیشتر تربیت شاگردان و آموختن ادبیات فارسی و عربی و شرعیات دینی و مذهبی و تا اندازه‌ای خطاطی بوده است تا زمان ناصرالدین شاه مدرسه به صورت امروزی وجود نداشت و تنها مکتب‌خانه‌ها بودند که آموزش به کودکان و نوجوانان آن هم به صورت محدود به عهده داشتند.

### گونه‌های مکتب خانه

مکتب خانه به دو گونه خصوصی و عمومی، پسرانه و دخترانه دایر بود.

گونه خصوصی آن برای افراد ثروتمند و بزرگان و دولتمردان بود.

گونه عمومی برای عامه مردم بود.

گاهی در شهرهای بزرگ در هر کوی چند مکتب‌خانه دایر می‌بود.

مکتب خانه در گذر تاریخ آموزشی ایران

۱

داکتر محمدابراهیم ذاکر

## مکتب دختران

دختران تنها اجازت آموزش خواندن داشتند و نبایست نوشتن را یاد بگیرند. گفته شده بود: دختری که مشق کردن را بداند کاغذپراکنی خواهد کرد. منظور نامه‌نگاری‌های دلبرانه خواهد داشت.

ارسال کنند جواب نامه دختر چو به کف گرفت خامه

نامش چو نوشته شد گواهی‌ست آن نامه نشان روسیاهی‌ست

هم‌چنین دیدن دستخط توسط نامحرم گناه بود. از سوی دیگر سن دختران در هنگام ازدواج هشت یا نه سالگی بود. از این رو، به جز یادگیری خواندن آن نیز در شماری بسیار اندک دیگر نه نیازی و نه اجازتی برای نوشتن نمی‌داشتند.

## مکتب‌دار

مکتب‌دار پسرانه را میرزا، شیخ و مکتب‌دار دخترانه را ملا، ملاحاجی می‌گفتند.

شهریه و حق‌التدریس مکتب به شکل‌های گوناگون به وسیله والدین دانش‌آموز پرداخت می‌شد.

مکتب‌دار گاهی افزون بر حق‌التدریس ماهانه، درآمدهایی از راه عریضه‌نویسی، نامه‌نویسی، نامه‌خوانی، استخراج‌گرفتن و رسیدگی به امور شرعی جزئی اهالی نیز در آمدسازی می‌کرد.

## مکان مکتب‌خانه

دکان؛ یا اتاق بزرگی بود که از مهم‌ترین اجزای به کار رفته در آن را می‌توان بوریاء؛ یا نمد کهنه و مندرس فرش شده در کف آن همراه میز کوتاه، تشکچه و مکتب‌دار و چند ترکه آلبالو و چوب و فلک اشاره کرد. بیشتر مکتب‌خانه، خانه شیخ و ملا بود و یا در جایی دیگری. شماری دانش‌آموز را می‌پذیرفت. ملا به آن‌ها خواندن و نوشتن یاد می‌داد. در آن روزگار شماری اندک از کودکان به مکتب‌خانه می‌رفتند و بقیه به جهت درآمد کم؛ و یا سطح فرهنگی پایین خانواده بی‌سواد می‌ماندند و به پیشه پدری روی می‌آوردند.

هر دانش‌آموز مکتب‌خانه زیرانداز کوچکی از خانه همراه خود می‌آورد. هنگام ناهار هرکس منزلش نزدیک به مکتب‌خانه بود، به منزل می‌رفت و پس از صرف ناهار به مکتب‌خانه باز می‌گشت و آن‌هایی که خانه‌شان تا مکتب‌خانه دور بود برای خود

ناهار می‌آوردند، مانند نان و اندکی پنیر و سبزی؛ یا کرهٔ جانوری؛ و یا تخم‌مرغ؛ و یا ماندهٔ خوراک‌های از شب پیش و ... هنگام سرما همهٔ دانش‌آموزان برای گرم کردن مکتب سوخت شامل هیزم، زغال، چوب؛ و یا سرگین جانوری برای بخاری یا کرسی تاملین می‌کردند.

## چگونگی آموزش

ملاً در نخستین جلسهٔ هر دانش‌آموز، جمله‌هایی بر روی برگهٔ خود شاگرد، می‌نوشت و او طوطی‌وار آن‌ها یاد می‌گرفت، بدون این که حرف‌ها را بشناسد و این پیش‌درآمدی برای آموزش‌های آینده و حرف‌شناسی بود، مانند:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، هو الفتح العظیم

اول کارها به نام خدا - پس مبارک بود چه فرّهما

ملاً نشانه‌ها را هم برای شاگرد تازه وارد چنین تعریف می‌کرد: یک نقط و دو نقط، سه نقط؛ یک زَبَر، یک پیش و یک زیر؛ دو زَبَر، دو پیش و دو زیر؛ مدرا بکشم، جزم را برهم زخم و تشدید را سخت بخوانم؛ الف همزه را به جای الف بشناسم، اگر نشناسم صدتا از چوب کف‌پایی بخورم تا بشناسم.

روز نخست دانش‌آموز تازه وارد برگهٔ نوشته شده را طوطی‌وار به اندازه‌ای تکرار می‌کرد تا یاد می‌گرفت، روز دوم الفبا ساده نوشته می‌شد و تک‌تک به شاگرد یاد داده می‌شد.

ا، ب، ت، ث، ج، ح، خ، د، ذ، ر، ز، س، ش، ص، ض، ط، ظ، ع، غ، ف، ق، ک، ل، م، ن، و، ه، ی.

پس از یادگرفتن بیست و نه حرف، نوبت به شناسایی نقطه‌های حرف‌ها می‌شد. حرف‌های پیشین بدین‌گونه بازنویسی می‌شد:

الف چیزی نداره، ب یکی به زیر داره، ت دو تا به سر داره، ث سه تا به سر داره، ج یکی میان داره، ح چیزی نداره، خ یکی به سر داره، د چیزی نداره، ذ یکی به سر داره، ر چیزی نداره، ز یکی به سر داره، س چیزی نداره، ش سه تا به سر داره، ص چیزی نداره، ض یکی به سر داره، ط چیزی نداره، ظ یکی به سر داره، ع چیزی نداره، غ یکی به سر داره، ف یکی به سر داره،

ق دو تا به سر داره، ک چیزی نداره، ل چیزی نداره، م چیزی نداره، ن یکی به میان داره، و چیزی نداره، ه چیزی نداره، ی دو تا به زیر داره.

پس از آن یادگیری حرکت حرف‌ها آغاز می‌گردد: نخست حرکت زَبَر (فتحه) برای همه حرف‌ها، مانند:

أ، ب، ت، ث، ج، ح، خ، د، ذ، ر، ز، س، ش، ص، ض، ط، ظ، ع، غ، ف، ق، ک، ل، م، ن، و، ه، ی.

آواخوانی آن‌ها چنین بوده است: الف زَبَر آ، ب زَبَر ب، ت زَبَر ت، ث زَبَر ث، و جزآن.

سپس به یادگیری حرکت پیش (ضمّه) پرداخته می‌شد: الف پیش أ، ب پیش ب، ت پیش ت، ث پیش ث، ج پیش ج و جزآن.

پس از آن نوبت حرکت زیر (کسره) می‌شد: الف زیر ا، ب زیر ب، ت زیر ت و جزآن.

پس از آن سه حرکت صدای بیست و نه حرف را بدین گونه تمرین می‌کردند: آواخوانی آن: الف زَبَر ا پیش ا، اَ اَ اَ

ب زَبَر ب پیش ب، بَ بَ بَ، ت زَبَر ت پیش ت، تَ تَ تَ، ث زَبَر ث پیش ث، ثَ ثَ ثَ و جزآن.

سپس تنوین را که به آن دو زَبَر (فتحه)، دو پیش (ضمّه) و دو زیر (کسره) گفته می‌شد تمرین می‌کردند.

بدین گونه آواخوانی می‌نمودند: الف دو زَبَر آن، دو پیش آن، دو زیر آن، آن آن آن؛ ب دو زَبَر بَن، دو پیش بَن، دو زیر بَن،

بَن بَن بَن؛ ت دو زَبَر تَن، دو پیش تَن، دو زیر تَن، تَن تَن تَن و جزآن.

هم چنین قوانین کاربرد تنوین را در درست خوانی قرآن به شیوه ریتیمیک و آهنگین بدین گونه یاد می‌داد:

تنوین و نون ساکنه حکمش بدان ای هوشیار

کز حکم آن زینت بود اندر کلام کردگار

در یرملون ادغام کن در حرف حلق اظهار کن

در نزد باء قلب به میم در ما بقی اخفا بیار

هماره دانش آموزان هم‌پایه درس را با آواز بلند و به همراه یکدیگر و با حرکت‌های گوناگون تن درس را تکرار می‌کردند تا بهتر

در ذهن‌شان شکل گیرد.

هنگامی که حرکات زَبَر (فتحه)، زیر (کسره)، پیش (ضمه) و تنوین یادگرفته شد حرکات‌های ترکیبی دیگر مانند ترکیب الف،

با حرف‌های دیگر یاد داده می‌شد.

بدین گونه آواخوانی آن آموزش داده می‌شد: الف الف آ، ب الف با، ت الف تا، ث الف ثا، ج الف جا و جزآن.

آواخوانی ترکیب ی با حرف‌های دیگر: الف ی زیر ابی، ب ی زیر بی، ت ی زیر تی، ث ی زیر ثی، ج ی زیر جی، ح ی زیر حی، خ ی زیر خی و جزآن.

آواخوانی ترکیب واو با حرف‌های دیگر: الف واو پیش او، ب واو پیش بو، ت واو پیش تو، ث واو پیش ثو، ج واو پیش جو و جزآن.

### آموزش واژه‌ها

هنگامی که فراگیری شناخت حرف‌ها و حرکت‌های گوناگون به پایان می‌رسد، نوبت آموزش حرف‌ها به هم چسبیده می‌رسید که پیامدش واژه‌سازی و شناخت واژه‌ها می‌بود. این بخش با چسبیدن برخی حرف‌ها آغاز می‌شود که بدان أَبْجَدُ، هَوَزُ، حُطَى، كَلِمَنْ، سَعْفَصُ، قَرَشَتْ، ثَخِذُ، صُظِعُ گفته می‌شد.<sup>۱</sup>

### حمدخوانی

#### فراگیری سوره شماره یک، فاتحه «الحمد»

همواره پس از فراگیری الفبا و حرکت‌های کاربردی بر آن‌ها و ابجدخوانی آغاز می‌شد که آموزش دوره یادگیری قرائت و خواندن سوره «حمد»<sup>۲</sup> می‌بود. همواره رسیدن به این مرحله را «الحمد رسیدن کودک» می‌گفتند. همواره از سوی خانواده

<sup>۱</sup> ادیبان و سرایندگان از کاربرد هرکدام از این حرف‌ها در یک بیت یا یک مصرع سال زادن یا مرگ یک بزرگ در زمینه علمی، سیاسی، فرهنگی، دینی و اجتماعی و یا زمان رویداد یک پدیده در جامعه انسانی را بازگو می‌کردند. (ابجد: الف = ۱، ب = ۲، ج = ۳، د = ۴)؛ (هوز: ه = ۵، و = ۶، ز = ۷)؛ (حطی: ح = ۸، ط = ۹، ی = ۱۰)؛ (کلمن: ک = ۲۰، ل = ۳۰، م = ۴۰، ن = ۵۰)؛ (سعفس: س = ۶۰، ع = ۷۰، ف = ۸۰، ص = ۹۰)؛ (قرشت: ق = ۱۰۰، ر = ۲۰۰، ش = ۳۰۰، ت = ۴۰۰)؛ (ثخذ: ث = ۵۰۰، خ = ۶۰۰، ذ = ۷۰۰)؛ (صظع: ض = ۸۰۰، ظ = ۹۰۰، غ = ۱۰۰۰).

در زبان لاتین نیز یک چنین حرف‌های نماینده یک عدد دیده می‌شوند:  $I = 1, V = 5, X = 10, L = 50, C = 100, D = 500, M = 1000$

<sup>۲</sup> بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ (۱) الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ (۲) الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ (۳) مَالِكِ یَوْمِ الدِّیْنِ (۴) اِنَّاكَ نَعْبُدُ وَاِنَّاكَ نَسْتَعِیْنُ (۵) اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِیْمَ (۶) صِرَاطَ الَّذِیْنَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ غَیْرِ الْمَغْضُوْبِ عَلَیْهِمْ وَ لَا الضَّالِّیْنَ (۷)

دانش آموز «سِرِ الحمدی» برای ملاً فرستاده می‌شد که پیشکش‌ها به فراخور توان هر خانواده بود. پیاده کردن این رسم در هر کشور (عراق و ایران) و شهرها و آبادی‌های گوناگون تفاوت داشت، نمونه‌ای از آن در ایران بدین گونه بوده است: ملاً کودک به «الحمد» رسیده را با چند تن از شاگردان به خانه خویشان نزدیک کودک می‌فرستاد که از آن‌ها «سر الحمدی» بگیرند. ایشان سروده‌هایی در این زمینه نوشته، به آن‌ها می‌داد تا با آوازی رسا، گروهی بخوانند و پس از دریافت پیشکش‌ها برای ملاً بیاورند.

## سروده‌های سِرِ الحمدی

نمونه برخی از این سروده‌ها، بخشی که برای همه بازگو می‌شد:

پادشاهی پسر مکتب داد  
بر سرلوح او نوشته به زر  
لوح سیمینش در کنار نهاد  
جور استاد به زمهر پدر

## سروده برای مادر

ای مادر نیکوسرشت	جای تو باشد در بهشت
ملاً برام الحمد نوشت	مادر بده الحمدیم
مادر بده الحمدیم	
الحمد حمد داور است	فرموده «پیغمبر» است
از بارگاه حیدر است	مادر بده الحمدیم
مادر بده الحمدیم	
ملاً به دارم می‌زند	چند چوب لارم می‌زند
زین جا فرارم می‌دهد	مادر بده « الحمدیم

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی‌اش همیشگی (۱) همه ستایش‌ها، ویژه خدا، مالک و مربی جهانیان است (۲) رحمتش بی اندازه و مهربانی‌اش همیشگی است (۳) مالک و فرمانروای روز پاداش و کیفر است (۴) [پروردگارا!!] تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو کمک می‌خواهیم (۵) ما را به راه راست راهنمایی کن (۶) راه کسانی [چون پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان که به خاطر لیاقتشان] به آنان نعمت [ایمان، عمل شایسته و اخلاق حسنه] عطا کردی، هم آنان که نه مورد خشم تواند و نه گمراه اند (۷)

## سروده‌ای برای عمو

ای عموی صاحب تمیز

هستم به پیشت من عزیز

نقل شادی سرم بریز

عمو بده الحمدیم

عمو بده الحمدیم

## سروده‌ای برای عمّه

عمّه واکن صندوقچه را

بده «الحمّدی» بچه را

عمّه بده الحمدیم

عمّه بده الحمدیم

عمّه بده الحمدیم

## سروده سپاسگزاری از بخشش دهندگان

سروده‌ای که پس از گرفتن پیشکش‌ها از هرکس برای او خوانده می‌شود:

الحمّدی آمد شاد شو

گفتی برو استاد شو

پیشکش‌های خویشاوندان که برای «سر الحمّدی» به کودک داده، برای ملاً به مکتب‌خانه برده می‌شد که بستگی به شهر و روستا دربرگیرنده: پول نقد، کله قند، تخم مرغ، مرغ زنده، گردو، بادام، کشمش و برخی تنقلات دیگر و شیرینی‌های خشک (کلوچه) و مربا و ترشیجات و حبوبات و میوه بستگی به فصل‌های سال می‌بود.

## آموزش قرآن

سوره‌های جزو پایانی قرآن که به عمه جزوا یاد می‌شد، نخستین بخش یادگیری قرآن بود از که سوره ناس تا سوره نبا در دفتری به خامه‌ای زیبا ملاً رونویسی می‌کرد و به شاگرد می‌آموخت و با یادگیری و قرائت این جزو قرآن، ملاً اعلام می‌کرد،

<sup>۱</sup> عمه جزو: سی امین و آخرین جزو قران است که با سوره نبا شماره ۷۸ آغاز می‌شود. آغاز آن: عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ (۱) عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ (۲) الَّذِي هُمْ فِيهِ مَخْتَلِفُونَ (۳). کلا سیغلمون (۴) ثم کلا سیغلمون (۵). از این رو این جزو را عمه جزو می‌نامیدند.

دانش آموز به قرآن رسیده است. پیشکش‌های خانواده در این مرحله نیز برای ملاً فرستاده می‌شد و خانواده‌ها از این پس قرآن را در دسترس کودک می‌گذاشتند تا از سوره بقره به خواندن و یادگیری دیگر آیه‌های قرآن بنمایند.<sup>۱</sup>

### آموزش کتاب خوانی

پس از یادگیری روخوانی قرآن برخی از شاگردان از ادامه دانش اندوزی خودداری کرده و به کار در پیشه پدری روی می‌آوردند و شماری اندک فراگیری دانش را دنبال می‌کردند که آن یادگیری کتاب‌های فارسی و عربی بود که نیز بستگی به موقعیت هر شهر و آبادی داشت. دانش‌آموزان، هر کتابی را که در منزل داشتند به مکتب‌خانه می‌آوردند و خواندن آن را نزد ملاً فرامی‌گرفتند. یک‌نواختی در تدریس مفاهیم عمومی به شاگردان در مکتب‌ها گوناگون روستاها و شهرها و حتا در یک شهر وجود نداشت؛ سبک و سیاق آموزش و گزینش کتاب‌های آموزشی بیشتر وابسته به توانمندی علمی ملاً داشت، ولی همواره آموزش‌ها نخستین از کم حجم مانند: موش و گربه، عاق والدین، خاله سوسکه، جودی، حسن و حسین، چهل طوطی و پس از کتاب‌های پر حجم دیگری مانند: گلستان و بوستان سعدی و دیوان حافظ و مفاتیح الجنان خوانده می‌شد و پس از آن حساب هم به صورت سیاق تدریس می‌گردید که در بیشتر موارد خود ملاً نیز توانمندی بالایی در آموزش آن نداشت.

خواندن نصاب الصبیان و جامع المقدمات شامل صرف میر فارسی<sup>۲</sup>، تصریف و شرح تصریف، عوامل منظومه، شرح سیوطی، الفیه، شرح نظام، شرح جامی در نحو و صرف، حاشیه ملا عبدالله، خمسۀ نظامی و... برای دوره‌های پیشرفته بود. زمانی انجام‌پذیر بود که دانش استاد اجازت می‌داد، این‌ها بیشتر پیش‌زمینه فراگیری زبان عربی بود. هم‌چنین آموزش مسائل دینی بر پایه رساله شرعیه از مرجع تقلید زمان نیز داده می‌شد.

<sup>۱</sup> ملاً پس از عمه جزو، جزو بیست و نهم با نام جزو تبارک که از سوره ملک شماره ۶۷ که آغاز آن: تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱) الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ (۲) الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طَبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَانِ مِنْ تَفَافُوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ (۳) تا پایان سوره مرسلات شماره ۷۷ با آغاز وَ الْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا (۱) فَأَلْعَافَاتِ غَصَفًا (۲) وَ النَّاسِاطِرِ نُشْرًا (۳) فَأَلْفَارِقَتِ فَرْقًا (۴) فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا (۵) عُدْرًا أَوْ نُذْرًا (۶) إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٍ (۷) به من آموخت.

<sup>۲</sup> هرکه خواند صرف میر را بشکند هفتاد و هفت زنجیر را.

## آموزش خط

آموزش خط با قلم نی و مرکب نیز یاد داده می‌شد و برای بالابردن توان در نگارش خطوط شکسته از منشات قائم‌مقام فراهانی که به آن ترسل نیز گفته می‌شد، الگوبرداری می‌کردند.

آموزش خط پیرامون هشت سالگی آغاز می‌شد و تنها برای پسران انجام می‌گرفت. بسیاری از کودکان پس از رسیدن به این مرحله، فارغ‌التحصیلی کامل ایشان از آموزش‌های مکتب‌خانه‌ایی به شمار می‌آمد.

## مجازات در مکتب‌خانه

در مکتب‌خانه‌ها تنبیه شاگردان تنبل، ناآرام و پُرشیطنت به وسیله چوب و فلک بود که همواره در برابر دانش‌آموزان انجام می‌گرفت. گاهی در هنگام مجازات یک پا و دو پای شاگرد را به فلک می‌بستند، دو نفر دیگر از دانش‌آموزان دو سرچوب فلک را می‌گرفتند و یکی یا دو نفر هم با ترکه‌های خیس به کف پای گناه‌کار می‌زدند، گاهی نیز برای مجازات دانش‌آموزان بدرفتار و زشت‌کردار، به جای ترکه از گیاهی خاردار؛ و یا شلنگ که در این اواخر به داشته‌های آدمی افزوده شده، بهره می‌بردند که خون از پاهای شاگرد نگون‌بخت سرازیر می‌گردید.

گاهی از گذاشتن قلم و نی و در این اواخر مداد در میان انگشتان و فشردن آن‌ها بهره‌وری می‌گشت.

هم‌چنین او از یک ترکه کوتاه برای شاگردان نزدیک و یک ترکه بلند برای شاگردان دورتر بهره می‌برد.

بیمناک کردن دانش‌آموز از زیرزمین پر از کژدم یا پر از جن یکی دیگر از تنبیه‌های رایج بود.

تنبیه دختران با گرفتن نیشگون و سوزن‌زدن به پشت دست و جزآن انجام می‌گرفت.

من در نجف یک ملا با جی داشتم که در پی بی‌توجهی به درس، انگشت خود نیشگون‌وار در جایگاه نافم فرومی‌برد و با آوای شوشتری می‌گفت: عَنِیْلْتُ دِرَاؤْم.

## خلیفه

مبصر و نماینده شاگردان را در مکتب‌خانه خلیفه؛ یا سرخلیفه می‌نامیدند، خلیفه از دانش آموزان زرنگ، درس‌خوان و نیرومند از نظر توان تن برگزیده می‌شد که در نبود ملا توانایی اداره مکتب‌خانه را داشت. از آن جا که خلیفه شاگرد با انضباط می‌بود، کمتر در معرض مجازات قرار می‌گرفت.

## رکود مکتب در ایران

نخستین جرعه‌های باز شدن مدارس نوین در روزگار صفویان آسمان ایران‌زمین را روشن کرد، اخگرهای آغازین آن آسمان اصفهان، سپس تبریز و سایر شهرهای بزرگ چراغانی کرد و این توسط میسیونرهای مذهبی اروپایی انجام گرفت و آن با دایرکردن آموزشگاه‌هایی به سبک غربی پایه‌گذاری شد.

شکل‌گیری نخستین مدرسه نوین در ایران به دوران محمدشاه قاجار ۱۲۵۴ق بازمی‌گردد. آن را پرکینز کشیش آمریکایی در ارومیه برپا کرد که افزون بر آموزش دانش‌های جدید، قالی‌باقی و آهنگری نیز به کودکان می‌آموخت و دومین مدرسه را اوژن بوره (کشیش فرانسوی) در سال ۱۲۵۵ در تبریز بنا کرد.

میرزا حسن رشديه تبریزی (۱۲۳۹ - ۱۳۲۳ خ / ۱۲۷۶ - ۱۳۶۳) از ایرانیان پیشتاز ایجاد مدرسه‌های نوین در تبریز است، سپس دامنه آن به تهران، مشهد و دیگر شهرهای ایران کشیده شد. امیرکبیر نیز دارالفنون را در ۱۲۳۰ خ / ۱۸۵۱م پایه‌گذاری کرد. دوران مظفرالدین‌شاه دبستان و دبیرستان گشایش یافت.

گسترش مدرسه‌ها از سال ۱۳۱۰ خ / ۱۳۵۰ ق / ۱۹۳۱م در بسیاری از مناطق شهری و روستایی ادامه یافت و به دنبال بنیادگذشتن و گسترش آن‌ها مکتب‌خانه‌ها کم رنگ‌تر شدند و به تدریج نسبت به بستن آن‌ها از سوی اداره‌ها فرهنگ هر استان و فرمانداری‌ها کل اقدام‌هایی اقدام شد، ولی با همه این بگیر و بندها در برخی از روستاهای تا دهه ۱۳۴۰ خ برقرار بودند، بسیاری از خانواده‌ها کودکان پیش دبستانی خود را برای آموزش قرآن به این مکتب‌خانه‌ها می‌فرستادند؛ و یا هم‌زمان با آموزش در دبستان‌های دولتی به مکتب‌های محلی نیز می‌فرستادند. مکتب‌هایی که هنوز هم یاد و خاطره آن‌ها در ذهن افرادی که سن‌شان بالای پنجاه سال است، به جا مانده است.

نمونه آن خودم بود که چون زادهٔ آذرماه بودم در شش سالگی به مدرسه راهم ندادند، چون جزو شش ماههٔ دوم بودم؛ بنابراین، پدرم ناگزیر مرا به مکتب شیخ نیشابوری بفرستد و یک سال در آن به فراگیری خط و ادبیات پرداختم؛ البته پیش از آن در یک ملای شوشتری آغاز آموزش شفاهی از ابجدخوانی و جزو عم را داشتم.

### نارسایی‌های مکتب‌خانه

- ۱) مکتب‌خانه‌ها ۶ ماه پُرکار و ۶ ماه کم‌کار داشتند، به جهت پیروی از نظام کشت و کار در روستاها و شهرهای کوچک؛
- ۲) آغاز آموزش با یادگیری قرآن و ادبیات عرب بود که کودکان ناگزیر به یادگیری طوطی‌وار بودند؛
- ۳) هرچه سطح بالاتر می‌رفت از تعداد شاگردان و معلم‌ها کاسته می‌شد و در نهایت به حوزه‌های علمیه منتهی می‌گشت؛
- ۴) دولت و هیچ ارگانی نظارتی بر کار مکتب‌خانه‌ها نمی‌توانست داده باشند، مانند حوزه‌های علمیه در خاورمیانه و در ایران تا زمان تشکیل حاکمیت آخوندی در سال ۱۳۵۷ خ بود. پس از آن دولت در همهٔ حوزه‌های علمیه در ایران و در برخی از کشورهای مسلمان رخنه کرد و آزمون برای هر سال تحصیلی حوزه گذاشت؛
- ۵) دختران بسیار کمتر از پسران به مکتب‌خانه می‌رفتند، ایشان حق فراگیری آموزش خط را نداشت. مادرم ناتوان از نوشتن بود، ولی کلیات سعدی، دیوان حافظ، قرآن، مفاتیح الجنان و هر کتاب عربی و فارسی را به خوبی می‌خواند.

مکتب‌خانه در گذر تاریخ آموزشی ایران

## کتاب‌نامه

## نمایه کتاب و مقاله

- آداب المتعلمین، خواجه نصیر طوسی، د: ۶۷۲ق، نک: جامعُ المُقَدِّمات، خط طاهر خوشنویس، چ. سنگی، انتشارات علمیة اسلامیة، تهران، ۱۳۶۵ق.
- امثله، شرح امثله میرسید شریف جرجانی، نک: جامعُ المُقَدِّمات، خط طاهر خوشنویس، چ. سنگی، انتشارات علمیة اسلامیة، تهران، ۱۳۶۵ق.
- البهجة المرضیة علی الفیة ابن مالک، سیوطی جلال الدین سیوطی عبدالرحمان فرزند ابوبکر (۸۴۹ - ۹۱۱ق)، چ. سنگی تهران، نجف، قم.
- بوستان سعدی، ابومحمد مُشرف‌الدین مُصلِح فرزند عبدالله فرزند مشرف سعدی شیرازی (۶۰۶ - ۶۹۰ق / ۱۲۱۰ - ۱۲۹۱م).
- التصریف، عبدالوهاب فرزند عمادالدین فرزند ابراهیم زنجانی شافعی، د: ۶۵۵ق، نک: جامعُ المُقَدِّمات، خط طاهر خوشنویس، چ. سنگی، انتشارات علمیة اسلامیة، تهران، ۱۳۶۵ق.
- جامعُ المُقَدِّمات، ۱۵ کتاب: یک کتاب اخلاقی، یک کتاب منطقی، شش کتاب در علم صرف و هفت کتاب نحوی: میرسید شریف جرجانی، ملاسعد تفتازانی، خواجه نصیرالدین طوسی، ملا ابراهیم زنجانی شافعی، عبدالقاهر جرجانی، فیض کاشانی، شیخ بهایی، جمال الدین محمد اردبیلی و...؛ منطق: الکبری فی المنطق؛ اخلاق: آداب المتعلمین (خواجه نصیر طوسی، د: ۶۷۲ق)؛ صرف: امثله؛ شرح امثله (میرسید شریف جرجانی)؛ صرف میر (میرسید شریف جرجانی)؛ التصریف (عبدالوهاب فرزند عمادالدین فرزند ابراهیم زنجانی شافعی، د: ۶۵۵ق)؛ شرح التصریف (ملا سعدالدین تفتازانی)؛ صیغ مشکله؛ نحو: عوامل جرجانی، عبدالقاهر؛ شرح عوامل (ملانظر علی گیلانی)؛ عوامل ملامحسن فیض کاشانی د: ۱۰۹۱ق؛ عوامل منظومه (کمال الدین فرزند حسام)؛ الهدایة (زبیر فرزند احمد فرزند سلیمان زبیری شافعی، د: ۳۱۷ق)؛ شرح الأئموذج (ابوالقاسم محمود زمخشری)؛ الفوائد الصمدیة (شیخ بهایی، ۱۰۳۰ق). خط طاهر خوشنویس، چ. سنگی، انتشارات علمیة اسلامیة، تهران، ۱۳۶۵ق.

جودی،

چهل طوطی مشتمل است بر حکایات مفید و تصاویر عدیده، نویسنده ناشناس، مطبع سهر، مطلع مظفری در بندر معموره بمبئی؛ دیگر: انتشارات شرکت نسبی کانون کتاب، ۱۹۵۴م.

حاشیه ملاعبدالله، الحاشیة علی تهذیب المنطق و الکلام (سعدالدین تفتازانی (د: ۷۹۲ق)، آخوند ملاعبدالله بهابادی یزدی (د: ۹۸۱ق)، چ. سنگی، تهران.

حسن و حسین،

خاله سوسکه، کتاب خاله سوسکه و آقا موشک. به سعی میرزا آقا قاضی سعیدی خوانساری، مطبعه خوانساری، ۱۳۵۵ق / ۱۳۱۵خ.

خمسه نظامی، شرف‌نامه، جمال‌الدین ابومحمد الیاس فرزند یوسف فرزند زکی فرزند مؤید، متخلص به نظامی و نامور حکیم نظامی (۵۳۵ - ۶۰۷ق؛ یا ۶۱۲ / ۱۱۴۱ - ۱۲۱۰؛ یا ۱۲۱۵).

دیوان حافظ شیرازی، روزن تسفایگ شفانو *V. Rosenzweig Schwannan*، وین، ۱۸۶۴ - ۱۸۵۸م.

دیوان حافظ، خواجه شمس‌الدین محمد فرزند بهاء‌الدین محمد حافظ شیرازی (۷۲۷ - ۷۹۲ق / ۱۳۱۵ - ۱۳۹۰م)، خوارزمی، تهران، ۱۳۶۲خ.

شرح ال‌انمودج، ابوالقاسم محمود زمخشری نک: جامع‌المقدمات، خط طاهر خوشنویس، چ. سنگی، انتشارات علمیه اسلامیة، تهران، ۱۳۶۵ق.

شرح التصریف، ملاسعدالدین تفتازانی، نک: جامع‌المقدمات، خط طاهر خوشنویس، چ. سنگی، انتشارات علمیه اسلامیة، تهران، ۱۳۶۵ق.

شرح امثله میرسید شریف جرجانی، نک: جامع‌المقدمات، خط طاهر خوشنویس، چ. سنگی، انتشارات علمیه اسلامیة، تهران، ۱۳۶۵ق.

صرف میر، میرسید شریف جرجانی، نک: جامع‌المقدمات، خط طاهر خوشنویس، چ. سنگی، انتشارات علمیه اسلامیة، تهران، ۱۳۶۵ق.

صیغ مشکله، نک: جامعُ المُقَدَّمات، نک: جامعُ المُقَدَّمات، خط طاهر خوشنویس، چ. سنگی، انتشارات علمیه اسلامیة، تهران، ۱۳۶۵ق.

عوامل جرجانی، عبدالقاهر؛ شرح عوامل (ملانظرعلی گیلانی)، نک: جامعُ المُقَدَّمات، خط طاهر خوشنویس، چ. سنگی، انتشارات علمیه اسلامیة، تهران، ۱۳۶۵ق.

عوامل ملامحسن فیض کاشانی د: ۱۰۹۱ق، نک: جامعُ المُقَدَّمات، خط طاهر خوشنویس، چ. سنگی، انتشارات علمیه اسلامیة، تهران، ۱۳۶۵ق.

عوامل منظومه (کمال‌الدین فرزند حسام)، نک: جامعُ المُقَدَّمات، خط طاهر خوشنویس، چ. سنگی، انتشارات علمیه اسلامیة، تهران، ۱۳۶۵ق.

الفوائد الصمدیة، شیخ بهایی، ۱۰۳۰ق، نک: جامعُ المُقَدَّمات، خط طاهر خوشنویس، چ. سنگی، انتشارات علمیه اسلامیة، تهران، ۱۳۶۵ق.

قرآن

کلیات سعدی، ابومحمد مُشرف‌الدین مُصلِح فرزند عبدالله فرزند مشرف سعدی شیرازی (۶۰۶ - ۶۹۰ق / ۱۲۱۰ - ۱۲۹۱م)، محمدعلی فروغی، تهران، ۱۳۲۰خ، ۷۶۷ برگه.

گلستان سعدی، ابومحمد مُشرف‌الدین مُصلِح فرزند عبدالله فرزند مشرف سعدی شیرازی (۶۰۶ - ۶۹۰ق / ۱۲۱۰ - ۱۲۹۱م).

مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی (د: ۱۳۵۹ق).

مکتب‌خانه در گذر تاریخ آموزشی، گردآوری محمدابراهیم ذاکر در زمان فراگیری بیماری کرونا، دهم مهرماه ۱۳۹۹، سایت ذاکر <https://www.dr-zaker.com/>

منشآت مهدی استرآبادی نک: الذریعة، ج ۲۳، شماره ۷۹۵۸؛ ج ۳، شماره ۵۹۲؛ ج ۲۲، شماره ۵۹۸۴.

موش و گربه، عبیدالله عبید زاکانی (د: ۷۷۲ق)، به کوشش عبدالشکور، مطبعه آفتاب، برلین، ۱۳۰۵، ۲۴ برگه.

نصابُ الصَّبَّیان لابی نصر الفراهی، ابونصر محمد بدرالدین فراهی سده ۷ه، انتشارات کاویانی، برلین، ۱۳۰۰.

الهدایة (زبیر فرزند احمد فرزند سلیمان زبیری شافعی، د: ۳۱۷ق، نک: جامعُ المُقَدَّمات، خط طاهر خوشنویس، چ. سنگی، انتشارات علمیه اسلامیة، تهران، ۱۳۶۵ق.

مکتب‌خانه در گذر تاریخ آموزشی ایران

ذکر  
دکتر محمد ابراهیم